

تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

حسن بوژمهرانی^{۱*}
مهدی پوراسلامی^۲

چکیده

تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی و تشکیل حکومت فدرال در عراق و در نتیجه آن، ایجاد منطقه خودمختار کردستان عراق تأثیرهایی شایان توجه را بر کشورهای همجوار داشته است. به دلیل همجواری مرزی اقلیم کردستان با مناطق کردنشین کشورمان و نیز پیوندهای فرهنگی و قومی میان آن‌ها، برخی تهدیدهای نرم ضد جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. اهمیت یافتن فرهنگ و هویت کردی، ارتقای سطح مطالبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله تهدیدهای نرمی هستند که امنیت کشورمان را تهدید می‌کنند. هدف این پژوهش که ابتدای آن بر روش توصیفی-تحلیلی است، بررسی وجوه مشترک میان کردهای دو کشور، بررسی منابع قدرت نرم کردها، بیان سابقه مبارزات کردها و داعیه‌های قدیمی آنان برای تحقق «کردستان بزرگ» است. جنبه نوآوری این تحقیق، تحلیل اتفاق‌های کردستان عراق در چارچوب تهدید نرم ضد جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که تحول‌های اخیر کردستان عراق چه تهدیدهای نرمی را متوجه امنیت کشورمان کرده است. مؤلفان بر این اعتقادند که به دلیل قرابت فرهنگی، هویتی و نژادی و نیز قدرت نرم اقلیم کردستان، خودمختاری کردستان عراق در کنار فعالیت‌های آنان در راستای اعتلای هویت کردی تهدیدهایی نرم را ضد کشورمان ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: تهدید نرم، قوم کرد، هویت، مطالبات قومی، ناسیونالیسم قومی.

*۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر. (نویسنده مسئول: mehrani100@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران.

مقدمه

منطقه کردستان عراق به‌عنوان هارتلند^۱ خاورمیانه، به لحاظ ژئوپلیتیک، محل تلاقی و پیوند اقوام ترک، فارس و عرب (سامی) است. این محل بیش از ۱۰۰ سال است که آرزوی کسب خودمختاری و استقلال را در سر می‌پروراند و کردها برای رسیدن به این ایده‌آل، گام‌هایی بلند برداشته و هزینه‌هایی بسیار را متحمل شده‌اند که این مسئله، گویای انگیزه بالای اکراد برای نیل به این اهداف است.

با حمله ایالت متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و اشغال این کشور از سوی آمریکا و نیروهای ائتلاف و در نتیجه، باز شدن فضای سیاسی-امنیتی عراق، کردها با توجه به تجربه حکومت نیمه‌مستقل پس از ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سال ۱۹۹۱، به دنبال تحقق خودمختاری کامل بودند که اشغال عراق این زمینه را برای آنان فراهم کرد که با تلاش برای به دست گرفتن نقش‌های کلیدی در حکومت جدید عراق، چه به لحاظ احساسی با بیان سوابق مبارزاتی خود و چه به لحاظ قانونی با گنجاندن اختیاراتی وسیع در قانون اساسی جدید عراق؛ گام‌هایی بلند را برای رسیدن به اهدافشان (خودمختاری) بردارند که تحقق این امر، معادلات این منطقه را با تغییرهایی مواجه کرده است. گسترش اختیارات کردستان عراق به لحاظ قانونی، ظرفیت‌های مالی و منابع استراتژیک غنی نفت، روابط خارجی این سرزمین با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، داعیه‌های قدیمی این اقلیم مبنی بر ایجاد کردستان بزرگ، همگی زمینه‌ساز ایجاد تهدید نرم ضد جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده‌اند.

جهانی شدن، به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی، با ایجاد فرصت مناسب برای ورود اقوام به عرصه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از طریق جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، آنان را به منظور شناساندن هویت خود و دسترسی به منابع اقتصادی برانگیخته است. جهانی شدن با نفوذپذیری مرزها و کاهش اقتدار دولت، این فرصت مناسب را تشدید کرده، علاوه بر آن، ظهور بازیگران جدید نظیر شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌های فراملی و ... باعث تزلزل هویت و دولت‌های ملی شده و این پدیده به منبع و عاملی برای گسترش آگاهی‌های قومی و در نتیجه، کشمکش‌های قومی در جهان

۱. اصطلاح «هارتلند» را اولین بار، سره‌الفور مکیندر، جغرافی‌دان بریتانیایی برای بیان اهمیت «اوراسیا» به‌عنوان یک منطقه محوری، در راستای تسلط بر جهان مطرح کرد. تأکید هارتلند، بر نقش «زمین» به‌عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل است و در حال حاضر، در ادبیات روابط بین‌الملل از این اصطلاح برای توضیح اهمیت ژئواستراتژیک یک منطقه استفاده می‌شود.

تبدیل شده است (نساج، ۱۳۸۸: ۱۳۳)؛ از این روی، واقعیات نشان می‌دهند که روند جهانی شدن به معنای فراموشی فرهنگ‌های بومی، قومی و منطقه‌ای نیست؛ بلکه جهانی شدن، موجب تقویت ظهور چارچوب‌های هویت‌های جمعی غیرملی شده که مهم‌ترین آنها هویت‌های قومی هستند. جامعه جهانی در حالی واپسین سال‌های هزاره سوم را پشت سر گذاشت و به هزاره سوم، وارد شد که به‌طور تقریبی، بیشتر کشورهای دنیا با جنبش‌ها و ستیزهای قومی دست به گریبان هستند (همان).

به نظر می‌رسد با وجود قدمت مسئله‌دار شدن شاکله‌های فرهنگی و هویتی نزد کردها، رویدادها و تحول‌های معاصر نظیر نشریه و تعمیق فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، نفوذپذیر شدن فزاینده مرزهای اجتماعی و درهم‌تنیدگی جهانی و گسترش ارزش‌های جهان‌شمول، به تشدید ضایعات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر شده‌اند (نش، ۱۳۸۰: ۳ تا ۲۹۰) که در این راستا کردها نیز با توجه به هویت قومی تأثیرگذار می‌توانند ابزاری مناسب را برای اعمال خواست‌های قومی خود در سایر مناطق داشته باشند و در همین زمینه، حکومت اقلیم کردستان (که بنیان آن بر اساس «کردایتی» یا همان هویت کردی است) با فهم این موضوع که هر حکومتی برای حفظ موجودیت خود و رویارویی و تقابل با چالش‌های درونی و بیرونی، ناگزیر است، بر تمایل‌ها و ارزش‌هایی تکیه‌کند که ماهیت حکومت را تشکیل داده و آرمان سیاسی آن جامعه‌اند و بکوشد که از این ابزار استفاده کند.

موضوع تقویت احساسات ناسیونالیسم قومی در میان اکراد منطقه به‌خصوص در میان کردهای ساکن در کشورمان و احساس پیوند بیش از پیش با اکراد اقلیم کردستان عراق، پس از گسترش اختیارها و احتمال استقلال آن اقلیم به‌عنوان تهدیدی نرم تلقی می‌شوند که امنیت سیاسی و اجتماعی کشورمان را با چالش جدی مواجه می‌کند و قومیت مشترک میان کردهای ایران و کردهای عراق و زمینه مشترک آنها در مقوله هویت قومی فراهم‌آورنده تهدیدهای نرم یادشده پس از تحول‌های کردستان عراق است.

این نوع همزادپنداری‌ها می‌توانند زمینه‌آفرین برخی تهدیدهای غیرسخت برای امنیت جمهوری اسلامی ایران باشند، لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که خودمختاری اقلیم کردستان عراق چگونه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تهدیدهای نرم ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شود؟ نگارندگان بر این اعتقادند که با توجه به نظریه‌های جدید امنیت مبنی بر تهدیدهای نرم و واکنش هم‌وطنان کرد زبان کشورمان در مقابل تحول‌های کردستان عراق به‌خصوص پس از انتخاب طالبانی به ریاست جمهوری عراق و نیز تصویب قانون اساسی عراق، مشتمل بر به رسمیت شناختن حقوق

قومیتی، این شائبه را القاشده است که این مسئله با تحریک احساس‌های قوم‌گرایانه، فضایی ملت‌هنگامه را در مناطق کردنشین کشورمان ایجاد می‌کند. در این پژوهش برای توضیح مقصود، لازم است برخی اصطلاح‌ها در چارچوب نظری بحث تعریف‌شده، توضیح داده‌شوند. تهدید نرم و قدرت نرم که لازمه تبیین چارچوب نظری است که در ابتدای بحث مورد بررسی قرار می‌گیرند و علاوه بر آن، بحث هویت، قومیت و ناسیونالیسم قومی در خصوص قوم کرد که در این تحقیق، توضیح مصداقی تهدید نرم را تسهیل می‌کنند ارائه می‌شوند تا چگونگی تحقق تهدید نرم در ادامه این مفاهیم مورد بررسی قرار گیرد.

الف - تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

۱- تهدید نرم^۱

«تهدید نرم»، مجموعه اقدام‌هایی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. تهدید نرم، نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها، ایجاد شده که جایگزین آن، نمادها و الگوهای است که عامل تهدیدکننده خواستار آن است؛ با این نگرش، تمامی تحول‌هایی که موجب شوند تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی به‌خطریفتند، یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی و دینی یک کشور شوند «تهدید نرم» به‌شمار می‌آیند (بلیک-گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

اینکه تهدید، نرم یا سخت نامیده می‌شود، به تحول‌هایی بستگی دارد که در گذر زمان در یکی از این عناصر نسبت به تهدید سخت ایجاد شده است؛ به‌طور نمونه اگر ابزار تهدید برخلاف تهدید سخت که ابزارهای نظامی، خشن، زور و اجبار است به ابزاری غیر از ابزارهای خشونت‌آمیز و اجبارآمیز همانند رسانه‌های مختلف نوشتاری، شنیداری و دیداری تغییر کند، ماهیت تهدید مورد بحث، تهدید نرم خوانده می‌شود. (کرمی، ۱۳۸۶: ۴۶)؛ به‌عبارت‌دیگر، تغییر و تحول در ماهیت هدف است که ماهیت و جنس تهدید را تعیین می‌کند و آن را به دو دسته تهدید نرم یا سخت تقسیم می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که لازمه اینکه تهدیدی در زمره تهدیدهای نرم قرار گیرد، این است که دست‌کم یکی از

1 . Soft Threat

عناصر آن از جنس نرم باشد و ارزشی از ارزش‌های امنیت ملی را تهدید نکند. در تهدید نرم اگرچه ابعاد سخت‌افزارانه تهدید، نفی نمی‌شوند، این اصل مورد توجه قرار می‌گیرد که انحصار تهدید در ابعاد سخت‌افزارانه آن، صحیح نیست؛ به عبارت دیگر، تهدید دارای ابعاد ذهنی و روان‌شناختی نیز هست. از منظر جامعه‌شناسی، تلقی از تهدید به‌طور کل تغییر یافته است و شاهد طرح پیشنهادی جدید هستیم که در آن، «ذهنیت»، اصالت می‌یابد و «جوهره تهدید» را شکل می‌دهد. ذهنیت در این رویکرد «اصالت» دارد و فراتر از یک «بعد» برای تهدید، نقش ایفای کند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۷ تا ۹۹). تغییرهای حاصل از تهدید نرم، درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است؛ این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنعتی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد. در واقع، تحقق تهدید نرم، زمانی است که ملتی احساس کند فرهنگ نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله است (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

بنابراین باید گفت که تهدید نرم، مستور و با چهره‌ای پنهان با بهره‌گیری از روش‌های پیچیده و در چارچوب فرهنگ‌سازی و مدیریت افکار عمومی با تأکید بر مفاهیم قومیتی - هویتی و فرهنگی است که نتیجه آن، دگرگونی زیرساخت‌های فکری، باورها، الگوهای رفتاری در حوزه سیاست اقتصادی و فرهنگی بوده، ارمغان‌آورنده تقویت بحران‌های هویت، مقبولیت، مشروعیت و مشارکت است (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۶)؛ لذا این تهدید با هزینه‌ای کم، تأثیر و کارآمدی بسزایی برای به‌بحران‌کشیدن یک کشور دارد.

بنابراین در دورانی که دولت سعی دارد مطالبات جامعه را درک کرده، آن را هدایت کند، نمی‌توان به‌طور صرف به رویه‌های کنترل، محسوس و پسینی (اقدام‌های لازم برای درمان یک ناامنی) متکی ماند و لازم است دولت به‌عنوان بازیگر فعال، ساختارهای کنترل اجتماعی و مهارت‌های لازم را در راستای مقابله با تهدید نرم یادبگیرد (نصری، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

۲- قدرت نرم^۱

قدرت نرم، عبارت است از: توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه و نهش از طریق اجبار یا تطمیع و در این نوع از قدرت، مردم بیش از آنکه به انجام کاری، مجبور شوند به همکاری گرفته‌می‌شوند

.....
1 . Soft Power

چراکه اتکای آن بر قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۱۴۳) که این جذابیت با تکیه بر فرهنگی خاص و نیز دیدگاه‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی سعی دارد، افراد را برای تأثیرگذاری بر آنان جلب کند (Hackbarth, 2009: 1). وجود فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و گسترش روزافزون محیط‌های مجازی در جهان زمینه‌ساز ایفای نقش کشورهای دارنده این قدرت در این حوزه شده است و وجود دانش اطلاعاتی به‌عنوان نقطه عطفی برای اهمیت‌یافتن بیش از پیش قدرت نرم شناخته می‌شود؛ به عبارتی، در این خصوص، قدرت و اطلاعات به‌مثابه دو روی یک سکه هستند که هریک به بازیگری مؤثر دیگری یاری می‌رساند، اما مهم‌تر از آن، این اطلاعات است که به‌منزله محوری برای قدرت، نقش ایفامی‌کند که در این راستا بازیگران جهانی هرچند کوچک توانسته‌اند به‌واسطه دارابودن توان تولید و دارابودن اطلاعات، نقشی اندک اما تأثیرگذار را در جهان به‌دست‌گیرند که حتی در این زمینه از برخی قدرت‌های بزرگ در این حیظه موفق‌تر بوده‌اند، برخلاف گذشته که این شرایط حاکم نبود (Keohane and Nye, 1998: 38).

ابتنای قدرت نرم بر قدرت اقناعی است که هدفش جذب افراد است که با سعی در جلب نظر طرف مقابل، قابلیت اعتماد مخاطب را ارتقا داده، در نتیجه، تأثیرپذیری آن را به‌مراتب افزایش می‌دهد و از آنجاکه فریب و اغوا نه تداوم تأثیرگذاری، بلکه برعکس قابلیت تخریبی پس از کشف حقیقت را دارند، بنابراین نمی‌توانند ابزار قدرت نرم باشند. سرشت قدرت نرم، جذابیت، برنامه‌ریزی فرهنگی، ترویج دسته‌ای از ارزش‌ها با استفاده از رسانه‌ها، نهادهای مدنی و فرهنگ اقتصادی است (Ibid). روی دیگر قدرت نرم، قدرت سخت است که در آن، طرفین سخت‌افزارها را برای نیل به اهداف خود بر می‌گزینند که از آن جمله، کاربرد ابزار نظامی، اعمال زور، بازدارندگی، تهدید و ارباب، جنگ و سیاست زورمدارانه هستند یا در اعمال قدرت سخت از حیث اقتصادی، تحت فشار مالی گذاشتن، تحریم اقتصادی کردن و تشویق و تهدید اقتصادی می‌توانند از جمله ابزار قدرت سخت در این حوزه باشند (بلیک - گلشن پژوه، همان: ۱۲۷).

اما فرهنگ به‌عنوان مؤلفه‌ای پایدار را شاید بتوان موضوعی دانست که به دلیل تأثیرگذاری عمیق، جایگاهی خاص‌تر را به نسبت دیگر مؤلفه‌های قدرت نرم دارد، چراکه عناصر فرهنگی ریشه‌دار، حقیقی بوده، کمترین تغییر را در گذر زمان دارند. در بعد فرهنگی در مواردی از قبیل فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، هویت و ... مواردی هستند که فقدان یا مخدوش شدن آنها تا حد زیادی زمینه‌ساز تهدیدهای نرم داخلی و خارجی را می‌شود و در این زمینه، هرگونه اقدامی که به تغییر در الگوی

رفتاری منطبق با ارزش‌های نظام حاکم منجر شود، در زمره تهدیدهای نرم آن حوزه قرار می‌گیرد و تهدیدهای نرم در بعد فرهنگی به‌خصوص فرهنگ و هویت قومی در این نوشتار بررسی می‌شوند.

۳- هویت^۱

هویت به‌مثابه امری احساسی یا آگاهانه، واقعی یا خیالی، موجود یا جعلی، معطوف به پاسخ به چیستی و کیستی انسان‌ها به‌صورت انفرادی و جمعی است که خودشناسی و دیگرشناسی به‌منزله دو محور عمده در این بحث با معیارهایی مختلف اعم از علمی و غیرعلم، بی‌طرفانه یا مغرضانه، احساسی و سطحی یا آگاهانه و عمیق مورد سنجش قرار می‌گیرند (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۹) و اشاره این مفهوم به مجموعه‌ای از پدیده‌ها در تولید تصویر از خویشتن در ذهن هر فرد، مؤثر واقع می‌شود که از جمله آن، سازوکارهای اجتماعی و روانی است که با تجانس و یکدستی، خویشتن را برابر تنوع اجتماعی متحد می‌کند (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸: ۵۰ و ۵۱).

نقش بسیط و پرمایه هویت در برآوردن نیازهای روانی انسانی و قبول آن به‌عنوان پیش‌نیاز زندگی اجتماعی، امری غیرقابل‌تصور نیست، چراکه هویت با تعیین چارچوبی برای تشخیص ماهیت افراد همانند خواهد بود و در صورت عدم وجود هویت هیچ‌یک از افراد نمی‌توانند به‌صورتی معنادار و پایدار به‌هم‌پیوندند (همان).

ایمانوئل کاستل، معتقد است که هویت، فرایند ساخته‌شدن معنا برپایه یک ویژگی فرهنگی با یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارد و به نظر او، همان‌گونه که نقش‌ها، کارویژه‌ها را سازمان می‌دهند، هویت‌ها هم معنا را سازمان می‌دهند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

هویت جمعی به‌طور عمده مبتنی بر عناصر فرهنگی (برای نمونه درخصوص کاست‌ها، اجتماع‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی و ملت‌ها) است. درحالی‌که انواع دیگر هویت‌های جمعی، مانند طبقات و هویت‌های مبتنی بر مناطق به‌عنوان گروه‌های ذی‌نفوذ عمل می‌کنند و از این‌رو، وقتی به هدفشان می‌رسند به‌آسانی منحل می‌شوند. اجتماع‌های فرهنگی خیلی باثبات‌ترند، زیرا عناصر فرهنگی اصلی که از آن تشکیل می‌شوند الزام‌آورتر و باثبات‌ترند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۱) و باید این نکته را اضافه کرد که درک و تفسیر افراد از خود اجتماعی و دیگران با توجه به موقعیت آنها در گروه سامان می‌یابد؛ به این معنا که هویت اجتماعی به‌عنوان جنبه‌ای از خودانگاره شخص اجتماعی درگیر و مرتبط با گروه است

(ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). برای درک و تکمیل بحث، لازم است شاکله مبحث هویت را در تعریف قومیت و ارتباطش با هویت بررسی کرد.

۴- قومیت^۱

ماکس وبر در تعریف قومیت می‌گوید: آنان گروه‌های انسانی‌اند که یک باور ذهنی نسبت به اصل و نسب مشترکشان را به دلیل شباهت‌های فیزیکی یا سنت‌ها یا به دلیل سرگذشت‌های استعمار یا مهاجرت می‌پذیرند؛ این باور باید در صورت‌بندی گروه، اهمیت داشته‌باشد؛ به‌علاوه، این اهمیت‌ندارد که «آیا روابط خونی مشخصی وجود دارد؟» (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۰۱)؛ بدین‌گونه ماکس وبر با تأکیدی که بر عناصر فرهنگی دارد، خون و نژاد را مهم تلقی نمی‌کند و بروس کوئن نیز که از دیدگاهی جامعه‌شناسانه به قومیت نگاه می‌کند، معتقد است گروه قومی، گروهی است که اعضای آن، ویژگی‌های فرهنگی یکسانی دارند (همان: ۱۰۲).

بنابراین مهم‌ترین ممیزه قوم و قومیت در ابعاد فرهنگی آن نهفته است و گروه‌های قومی بر بنیاد موراث و شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب، رسوم و پیشینه تاریخی شکل می‌گیرند و ادراک قومیت با ابتدای بر فهم هویت قومی میسر است؛ این فهم می‌تواند دارای خاستگاه «واقعی» یا «احساسی» باشد ولی در هر صورت از دل‌بستگی و تعلق خاطر نسبت به گروه قومی حکایت دارد. رشد قومیت با تأثر از درک و تجربه مشترک از محرومیت مادی، شرایط نامطلوب زندگی و به حاشیه رانده‌شدن‌هاست (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱ و ۲۲).

۵- ناسیونالیسم قومی^۲

ناسیونالیسم قومی به‌عنوان محرک اصلی خواست‌های هویتی-قومیتی، ملت را برحسب قومیتی تعریف می‌کند که خمیرمایه اصلی آن، احساس عمیق تعلق و وفاداری به یک گروه قومی است که اجداد، عقاید و فرهنگ و زبان مشترک، عناصر اصلی آن هستند (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳)؛ این مهم از آرزوی نوزایش هویت جمعی، وحدت خودمختاری و تقاضای مشارکت مردمی و اعتبار فرهنگی از قبیل رجوع به ریشه‌های نمادین افسانه‌های گذشته و خاطرات تاریخی ناشی می‌شود. اگر بخواهیم عوامل تسریع و تشدید ناسیونالیسم قومی را برشماریم، باید بگوییم که تفاوت‌های

1 . Ethnicity

2 . Ethnic Nationalism

ایدئولوژیکی و سیاسی گروه‌های قومی، پیرامونی و مرکز و قشربندی منزلتی میان اقوام متعدد و احساس عمومی نسبت به استعمار و ستم برخواسته از آن می‌تواند، ناسیونالیسم قومی را تسریع کند. بنابراین می‌توان گفت که ناسیونالیسم قومی، وظیفه معماری سیاسی-فرهنگی براساس قومیت را برعهده دارد که هدف آن، ایجاد دولتی متحد و یکپارچه است؛ این نوع از ناسیونالیسم به لحاظ مکانی منشأ مشترک گروه قومی خاصی را تبیین کرد که اغلب آنها را به سرزمینی خاص مرتبط می‌سازد که برای پیروان آن، تقدس آن سرزمین، امری غیرقابل انکار به‌شمار می‌آید. ساختار هویتی و گستردگی استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و مطبوعاتی هریک می‌توانند در برانگیختن خواست‌های قومی و هویتی گروهی که محرومیت احساس می‌کنند، مؤثر باشد که در این گفتار، تقویت کردی و تأثر آن از تحول‌های کردستان عراق در این زمینه بررسی می‌شود.

ب- منطقه کردستان و کردها

۱- موقعیت کردستان و ویژگی هویتی قوم کرد

کردستان، میان پنج دولت خاورمیانه‌ای یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و میان چهار سازه تمدنی و فرهنگی، میان چهار فلات، یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه بین قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است.

این منطقه از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد؛ این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق، جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را دربرمی‌گیرد و بر فلات‌ها و سرزمین‌های کم‌ارتفاع اطراف خود مشرف است. محدوده کردنشین‌های خاورمیانه، فضایی تقریبی است میان کوه آارات به سمت جنوب تا شهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلی در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق تا آارات امتداد می‌یابد (وان بروین سن، ۱۳۷۸: ۲۴).

صعب بودن منطقه و استعداد رزمی مهیب ساکنان کردستان، همیشه آنجا را به‌صورت مرز طبیعی، امپراتوری‌هایی درآورده است که در جوار آن پا گرفته‌اند (همان).

مساحت این محدوده در حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع است که ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر در ترکیه ۱۲۴۹۵۰۰ کیلومتر آن در ایران، ۷۲۰۰۰ کیلومتر آن در عراق و ۱۸۳۰۰ کیلومتر آن در سوریه واقع

است (Koochi-Kamali, 2003: 26).

کردها یکی از نژادهای باستانی هستند که در کوهستان‌های هم‌جوار شرقی‌ترین قسمت ترکیه جدید، شمال و شرق عراق و همچنین شمال غرب ایران، برای مدت بیش از ۳ هزار سال می‌زیستند که به‌رغم گذشت مدت زمان طولانی، آنان «زبان، رسوم و فرهنگشان» را تاکنون حفظ کرده‌اند (Oballance, 1996: 1).

کردها اعقاب مادها، یک گروه قبیله‌ای ایرانی آریایی هستند، که همراه فارس‌ها و پارت‌ها به داخل فلات ایران مهاجرت کردند. مادها در غرب و شمال غرب (آذربایجان، کردستان و کرمانشاه)، فارس‌ها در جنوب و مرکز و پارت‌ها در شرق سرزمینی که ایران نام‌گرفت، ساکن شدند؛ بدین نسبت، مادها بنیان‌گذاران اولین امپراطوری ایرانی (۵۵۰-۷۲۸ ق م) و نیز مهم‌ترین موجودیت سیاسی تاریخی در ایران شدند. کردها بخش جدایی‌ناپذیر امپراطوری‌های ایرانی ماد، هخامنشی، پارتی، اشکانی (۲۴۷ ق م تا ۲۲۶ ق م) و ساسانی (۲۲۶-۶۳۶ م) بودند و در آثار تاریخی بیان‌شده‌است که کردهای جنگجو نگهبان و مدافعان این سلسله‌های ایرانی بوده‌اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۴).

کردها از نظر ساختار فرهنگی، دارای باورها، انگاره‌ها، ادبیات، موسیقی، رقص، جشن و ... بوده‌اند که آنها را از سایر اقوام متمایز می‌کند. کردها زبانی واحد ندارند بلکه هریک از مناطق تحت سکونت افراد به لهجه‌ای خاص سخن می‌گویند (Yildiz, 2007, 8). کرمانجی، گویش کردهای ترکیه، سوریه، شوروی سابق و بخش‌های شمالی کردستان عراق و ایران است. اغلب کردهای استان کردستان در ایران و بخش‌هایی از کردستان عراق با گویش سورانی تکلم می‌کنند. هورامی، گویش برخی بخش‌های کوچک در امتداد مرز ایران و عراق است و کرمانجی که به فارسی شباهت دارد. به کردهای استان کرمان در غرب ایران تعلق دارد (Ibid). زبان کردی عاملی مهم است که به کردها هویتی خاص می‌دهد و از جمله موارد نادری است که کردها، در آن تجربه مشترک دارند زبان کردی از شعبات فرعی شاخه فارسی‌زبانان ایرانی است که همانند سایر زبان‌های ایرانی در افغانستان، بلوچستان و تاجیکستان، ریشه هندی-اروپایی دارد. با این وجود، کردستان به‌منزله دولت فرضی است که در خشکی، محصور است و به دریا راه ندارد و بزرگ‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه که همه آنها نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت در یک ائتلاف می‌توانند آن را به‌زاندرا آورند.

سیاست‌های دولت‌های خاورمیانه نسبت به هویت اقلیت کردها، متفاوت بوده‌است. ترکیه از زمان

کمال آتاتورک، هویت کردها را نفی کرده، از اساس، آن را ترک، آن هم ترک کوهستان شناخته‌است. ایران هویت و موجودیت کردها را به رسمیت شناخته، ولی آنها را از منظر قومی و نژادی، شاخه‌ای از ایرانیان می‌داند که بخشی از ایران را شامل می‌شود. عراق گفته‌است که ما عرب هستیم و شما کرد و گاهی هر دو عراقی هستیم و ما به عنوان بخشی از دنیای عرب خودمختاری شما را در کل تضمین می‌کنیم؛ سوریه نیز هویت کردها را به طور کلی نفی کرده و سیاست عربیزه کردن سرزمین آنها را اجرا کرده‌است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵).

۲- سیر اندیشه خودگردانی کردها

تحول‌های دو قرن اخیر در منطقه و آگاهی از روند تشکیل دولت‌ها در این حوزه، موجب گسترش اطلاعات سیاسی این قوم شد که اعتقاد به نوعی خودمختاری و داشتن آرزوی دولت مستقل کردی به عنوان ایده‌آلی کردی پدیدار شده‌است و این موضوع به منزله یکی از شاخصه‌های کردی، زمینه هم‌گرایی میان آنها را در مناطق مختلف منطقه فراهم کرد.

بسیاری از جنبش‌های قومی (از جمله کردی) در جهان سوم به واسطه مداخله بیگانگان و کمک‌های آنان است که رشد و توسعه یافته‌است. غرب به نام حفظ حقوق اقلیت‌ها و با سوءاستفاده از احساسات قومی، فرهنگی و دینی آنها، موجبات تقویت گرایش‌های گریز به مرکز یا قوم‌گرایی افراطی را در کشورهای چندملیتی جهان سوم پدید آورده‌است و این واقعیت، قابل استناد است که تبدیل حضور عرفی و طبیعی اقوام ایرانی به مشکل خلق‌ها و ملیت‌های مظلوم مقیم ایران جز به اراده استعمار نبوده‌است (نساج، همان: ۱۳۴).

در مسائلی نظیر تشکیل جمهوری مهاباد که با حمایت گسترده شوروی سابق صورت گرفت و هدف آنها منضم کردن آذربایجان و کردستان به خاک خود بود و پس از آن در بحران قومی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کردستان اتفاق افتاد، آمریکا نقشی بسزا در ادامه و گسترش آن داشت و این کشور با استفاده از احساسات ناسیونالیستی کردی و اختلاف‌های مذهبی، درصدد تجزیه ایران برآمد. (بهرامی، ۱۳۸۶: ۲۲۴) و علاوه بر اینها تلاش بریتانیا برای تجزیه ایران (نساج، همان)، همگی گویای نقش قدرت‌ها برای تشدید اختلاف‌های قومی هستند.

پس از آشنایی کردها با مفاهیم جدید هویتی-قومی در اوایل قرن بیستم که با تحریک استعماری نیز همراه بود، تفکرهای استقلال طلبانه آنان تاکنون ادامه دارد؛ در این میان، بسیاری سرآغاز فعالیت‌های

استقلال طلبانه را قیام شیخ عبیدالله می‌دانند که با تسلط بر بسیاری از مناطق کردنشین، شامل «محدوده- ای میان دیار بکر، وان، ارومیه، مهاباد، اربیل، موصل و قامشلی»، حکومت دفاکتویی را ایجاد کرده‌بود و تا مدت زمان بسیاری به‌عنوان دولت کردی مطرح می‌شد (وان بروین سن، همان: ۳۵۷ و ۸). اما در پی فروپاشی دولت عثمانی و انعقاد پیمان «سور»^۱ بنای رسمی یک دولت کرد در محدوده مناطقی از جنوب ترکیه و شمال عراق فراهم شد ولی با تأسیس دولت ترکیه به رهبری کمال آتاتورک از اساس با آن مخالفت شد؛ پس از این اقدام و نادیده‌انگاشتن حقوق کردی، سرکوب جنبش‌های کردی آغازیدن گرفت و هم‌زمان با آن، قیام شخصیت‌های کرد، برگی دیگر را در سرنوشت کردها رقم زد؛ از جمله آنها قیام شیخ محمود برزنجی بود که وی را انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۹ به‌عنوان فرماندار سلیمانیه منصوب کردند و در این زمان، شیخ محمود، حیطه تسلط خود در منطقه را از سلیمانیه فراتر برده، مناطقی دیگر از عراق شامل «زاخو، اربیل، بارزان، کرکوک، پنجوین و حلبچه» را جزو منطقه خود اعلام کرد و از آنجا که وی، خود را شاه دولت کردی اعلام کرد، انگلیسی‌ها وی را از مقامش عزل کردند (Entessar, 1992: 50).

در پی اشغال ایران، پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۶م با دخالت نیروهای شوروی مقدمات تشکیل دولت کردی در سایه جمهوری مهاباد به ریاست قاضی محمد در ایران فراهم شد که این حکومت با عقب‌نشینی نیروهای شوروی و حضور ارتش ایران در این منطقه سرکوب شد. جنبش کردی در ادامه مبارزات خود به‌وسیله ملا مصطفی بارزانی در عراق و عبدالله اوجالان در ترکیه ادامه یافت که هر دو به‌وسیله دولت‌های مرکزی سرکوب شدند و در طول این مدت از این گروه‌ها به‌عنوان وجه‌المصلحه کشورهای منطقه استفاده شده‌است؛ اما نقطه عطف تحول‌های کردی را باید در حمله رژیم صدام به کویت در سال ۱۹۹۰ که به واکنش شورای امنیت در متجاوز شناختن عراق منجر شد، دانست که به‌دنبال آن با حمله نیروهای ائتلاف بین‌المللی به نظامیان عراق و بیرون‌راندن آنان از کویت و متعاقب آن با تصویب قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت ایجاد منطقه پرواز ممنوع در محدود شمال عراق در مدار ۳۶ درجه در پی کشتار بی‌سابقه اکراد و شیعیان در این منطقه صورت-گرفت و پس از این اتفاق‌ها، فضا برای ابراز استقلال کردها در شمال عراق فراهم شد تا زمینه‌ای جدی را برای تصویب فدرالیسم در این منطقه ایجاد کند (O, Balance, Ibid: 189). با سقوط صدام حسین در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، جایگاه سیاسی عراق که در کردستان عراق محصور

1 . Sevres

بود به سطح ملی گسترش یافت و آنان با کسب جایگاه‌های سیاسی قابل توجه، مانند ریاست جمهوری و به‌دست‌گرفتن وزارت‌خانه‌های کلیدی مانند وزارت خارجه، نقش خود را در کشور عراق ارتقا بخشیدند.

۳- منابع قدرت نرم کردها

۳-۱- توانمندی قانونی

- پس از تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵، کردها اختیارات قانونی و گسترده‌ای را به‌دست‌آوردند که این مسئله به مقدمه‌ای برای تقویت قدرت نرم آنان تبدیل شد از جمله اینکه:
- در ماده اول، قانون اساسی عراق با قبول نظام حکومتی پارلمانی، دموکراتیک و فدرال استعداد و ظرفیتی شگرف را به کمک اعتماد به نفس شکل گرفته در اقوام کرد، در راستای تحرک و فعالیت داخلی و خارجی کردها در تمام زمینه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم کرده است.
 - در ماده دوم، عراق را کشوری دارای اقوام، ادیان و مذاهب می‌داند که در این ماده، قانون اساسی عراق هویت متمایز کردها را به رسمیت می‌شناسد.
 - در ماده چهاردهم، برای تمام عراقی‌ها هرگونه تبعیض براساس جنسیت، نژاد و قومیت را رد و برابری قانونی در موضوع‌های اقتصادی و اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بنابراین کردها به‌عنوان یکی از نژادها و قومیت‌های غیرعرب و غیرسامی، وضعیت برابر با اعراب را تجربه می‌کنند.
 - در ماده یکصد و چهاردهم، به‌طور مجدد، حکومت فدرال کردستان عراق به رسمیت شناخته می‌شود.
 - در ماده یکصد و هجدهم، بازوی اجرایی اطلاعاتی و نظامی کردها یا همان پیش‌مرگ‌های کرد، سازمان خود را حفظ می‌کنند.
 - در ماده یکصد و بیست و دوم، تمام حقوق اداری، سیاسی، فرهنگی و آموزش قومیت‌های مختلف را مورد توجه قرار می‌دهد.
 - در ماده یکصد و بیست و سوم، اصلاح هرگونه مواد قانون اساسی که ناقض اختیارات مناطق باشد و جزو اختیارات انحصاری مقام‌های فدرال نباشد، منوط به موافقت قوه مقننه هر منطقه مرتبط و موافقت اکثریت مردم آن است که این ماده به نحوی حق و تو را به مقام‌های فدرال می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۸۱ تا ۲۲۵).

در ماده یکصد و سی و ششم، قانون اساسی، خواستار محدوده‌ای زمانی برای تعیین تکلیف منطقه کرکوک است؛ بنابراین در صورت دستیابی حکومت خودمختار عراق به ذخایر نفتی کرکوک، این اقلیم می‌تواند خود را از وابستگی مالی به بغداد رها کرده، زمینه‌سازی شتاب در توسعه و چه بسا کوشش برای استقلال کامل آن را فراهم کند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۷: ۹۵ و ۹۶).

با بیان این مواد از قانون اساسی جدید عراق می‌توان به این نتیجه رسید که کردها با پشتوانه قانون اساسی مصوب، استعداد و ظرفیت بالقوه چشمگیری برای تأثیرگذاری بر تحول‌های داخلی و خارجی به‌خصوص کردهای منطقه و پیگیری آرمان کردستان بزرگ را دارا هستند.

۳-۲- توانمندی اقتصادی و فرهنگی

کردستان عراق، روزانه نزدیک به ۱۱۵ هزار بشکه نفت را صادر می‌کند و در زمینه صنعت نفت، اکنون ۳۵ شرکت بزرگ بین‌المللی نفتی در این اقلیم سرمایه‌گذاری کرده‌اند (عیسی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). در برنامه استراتژیک تا سال ۲۰۱۵ وضعیت نفت کردستان به روزی یک میلیون بشکه نفت خواهد رسید و کردستان بعد از ایران و قطر، سومین کشور به لحاظ ذخایر گاز است. میزان ذخیره نفتی در کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه است (عیسی، همان: ۱۴۳).

علاوه بر توانمندی‌های یادشده باید ابزارهایی دیگر از قدرت آنان را مطرح کرد که شامل شبکه‌های ماهواره‌ای فعال در زمینه ترویج هویت کردی، به همراه هزاران وب‌سایت کردی و انتشار بیش از چهارصد مجله است که شامل سیزده روزنامه نیز می‌شود.

امروزه این اقلیم دارای هفت دانشگاه دولتی است که از آن جمله می‌توان به دانشگاه صلاح‌الدین در شهر اربیل، دانشگاه سلیمانیه در شهر سلیمانیه، دانشگاه دهوک در شهر دهوک، دانشگاه کویه در شهر کویه، دانشگاه کردستان-هولر در شهر اربیل و دانشگاه آمریکایی در سلیمانیه اشاره کرد (آکری، ۱۳۹۰: ۹۸).

و بنا به گفته برخی مسئولان اقلیم کردستان عراق، این سرزمین ۲۵۰ هزار دانشجو و ۳ هزار استاد دارد (نجار، ۱۳۹۰: ۱۱۱) و افزون بر دانشجویان ناحیه کردستان، دانشجویانی نیز از کردستان ایران و ترکیه در آن به تحصیل مشغول‌اند (کاویانی‌راد، همان: ۹۴).

فعالیت ده‌ها سایت اینترنتی کردی، چند شبکه ماهواره‌ای وابسته به احزاب کرد عراقی، ایرانی و ترکیه‌ای فضای رسانه‌ای مناطق کردنشین را پوشش می‌دهد؛ از جمله آن می‌توان به شبکه ماهواره‌ای

«زاگرس و کردستان تحاوی متعلق به پارتنی و شبکه کرد ست» (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۳۶)، وابسته به اتحادیه اشاره کرد که همگی در راستای اعتلای خواست‌های کردی فعالیت می‌کنند که هریک از اینها تأثیری را در برانگیختن هویت‌های قومیتی دارند. پس از بیان موقعیت ژئوپلیتیک عراق و ارائه توانمندی‌های بالقوه این اقلیم مصادیق و موارد تهدید نرم این اقلیم بر کشورمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پ- تهدیدهای نرم اقلیم کردستان عراق بر ایران

۱- تهدیدات فرهنگی (روانی)

سیر تطور خودگردانی کردستان عراق، با تلاش‌ها و سختی‌ها، محرومیت‌ها و انتظارات فراوان به سمت تکوین آرمان «کردستان بزرگ» به پیش‌رفته‌است که این موضوع، آلام و دردهای قوم کرد را تسکین داده، امید آنها را برای بزرگ‌آرزویشان در جهت تحقق این رؤیای دیرینه به واقعیتی تبدیل کرده‌است، دست‌یافتنی که کردهای منطقه را نیز برای درخواست‌های قومیتی در دیگر کشورهای همسایه عراق و همچنین جمهوری اسلامی ایران تشجیع کرده، با بالابردن اعتماد به نفس آنان، ضریب درخواست‌های آنان را به نحوی قابل توجه ارتقا بخشیده‌است.

حکومت خودمختار عراق، پیش و پس از تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ و رسمیت یافتن فدرالیسم در عراق با استفاده از کمک‌های بین‌المللی و مامشات برخی کشورهای منطقه در راه ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی، اداری و قانونی و نیز تأسیس یک سازمان حکومتی منسجم گام برداشته‌است که این نهادها می‌توانند آنان را در نیل به بقا و دستیابی به اهداف یاری‌رسانند.

نظر به اهمیت ارزش‌های جهان مدرن، اقلیم کردستان با اهتمام برای دستیابی به وضعیت قابل قبول یک جامعه مدنی به ارزش‌هایی مانند «دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان و فعالیت‌های مطبوعاتی، تعامل با نهادهای بین‌المللی و جهانیان، ارتباطات الکترونیکی و رسانه‌ای، کثرت‌گرایی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد آزاد، همزیستی با همسایگان، امنیت، توسعه اقتصادی، عمران منطقه‌ای و نظایر آن» مبادرت ورزیده‌است و سعی دارد بسترهایی برای اعلان موجودیت کردستان بزرگ فراهم‌سازد (حافظ نیا، همان: ۲۰) و سرعت عمل و تقوای کردها در جهت ایجاد سازوکار قابل قبول در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای ساخت دولت کردی، امری انکارناپذیر است که به یقین، آنان با نگاهی به آینده و با در نظر گرفتن آتیه‌ای روشن، خود را برای کسب موقعیتی بدون برگشت آماده می‌کنند.

در این میان و با توجه به گسترش فناوری‌ها و علوم نوین ارتباطی از آغاز سده بیستم نمی‌توان از تأثیر این امکانات در برانگیختن هویت‌های مشترک بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی، غافل شد، چراکه گستردگی پیوندهای مجازی در دهه‌های اخیر و نیز گسترش ارتباطات فراملی هر یک به نحوی در ایجاد بستری برای روابط بیشتر و آگاهی افراد از اوضاع و شرایط جای‌جای جهان مؤثر بوده‌اند و این وسایل ارتباطی هر یک به نحوی در رسیدن اخبار وقایع مناطق مختلف گیتی به افراد و گروه‌های دیگر نیز آگاهی نسبت به مشکلات مکان‌های دیگر و نیز پیوند متقابل در سراسر کره خاکی نقشی غیرقابل انکار را ایفا می‌کنند و از سوی دیگر، همکاری مشترک میان گروه‌های محلی یک جنبش را تسهیل می‌کند و ارتباطات فراملی درون آن را محکم می‌سازد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که پیوندها و ارتباطات فراملی، باعث بیداری و خودآگاهی فرهنگی می‌شوند و این موضوع می‌تواند باعث شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت فرهنگی در میان گروه‌های فرهنگی به حاشیه‌رانده‌شده شود (فکوهی و دیگران، همان: ۵۳).

در همین زمینه کردهای عراق به منظور یادآوری گذشته این قوم و آشنا کردن کردهای منطقه با تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم سعی وافر داشته‌اند که با پخش اخبار و برنامه‌هایی با محتوای فعالیت‌های کردی را از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، محلی، منطقه‌ای، جهانی [گسترش دهند] که در همین راستا ارزیابی می‌شود، هر یک از اینها به نحوی باعث احیای ناسیونالیسم قومی به عنوان محرک اصلی خواست‌های هویتی-قومیتی در مناطق کردنشین شده‌است و علاوه بر این، موجب اعتلای بیش از پیش خواست‌های قومی و برانگیخته شدن عواطف شده‌است.

دوئین، روزنامه‌نگار **واشننگتن تایمز** در خصوص خودمختاری عراق و تأثیر آن بر کردها اذعان می‌کند «کردستان عراق به مرکز عاطفی ۲۵ میلیون کرد جهان که در مناطق کوهستانی و نفت‌خیز سوریه، ترکیه، ایران و عراق پراکنده اند تبدیل شده‌است (Duin, 2004: 18) که گویای توانمندی نرم و تأثیرگذار اقلیم کردستان عراق است که می‌تواند قلوب اکراد منطقه را به خود جلب کند.

ناتالی، عضو گروه تحقیق حقوق و سیاست دانشگاه صلاح الدین کردستان عراق می‌گوید: از اوایل دهه ۱۹۹۰ ظهور جهانی‌شدن و فرایندهای فراملی، فضای سیاسی منطقه را تغییر داده، عنصر «کردایتی» در سراسر کردستان به شدت قومی شده‌است؛ به دنبال این تحول‌ها طرح‌های ملی‌گرایی کردها نیز تحول یافته، ملی‌گرایی کردی با مفاهیمی نظیر دموکراسی، حقوق بشر، خودگردانی و ایدئولوژی‌های فراسرزمینی پیوندخورده‌است (Natali, 2005: 183).

دیدار حسن‌زاده، دبیر کل حزب دموکرات کردستان با رهبران کردستان عراق را به‌منظور ابراز تبریک به کردهای عراق به مناسبت تصویب قانون اساسی موقت دولت عراق که در آن فدرالیسم و حقوق عمومی کردها به رسمیت شناخته شده، می‌توان سرآغاز همدلی عاطفی میان کردها پنداشت.

در همین زمینه، تجمعات خیابانی به اغتشاش و خرابکاری مردم مهاباد منجر شد که تخریب برخی ساختمانهای دولتی را در پی داشت و باید آن را در اعتراض به وضعیت تأثیرپذیری فرهنگی و روانی از قدرت نرم کردهای عراق، باورکرد (حافظ نیا، همان: ۲۴).

فعالیت‌های قابل توجه فرهنگی اعم از انتشار کتب و مجلات و اجرای فستیوال‌های فرهنگی، سمینارها، برگزاری یادمان شخصیت‌های کردی و تاریخ کردستان در شمال عراق و همچنین پخش اخبار و محتوای فعالیت‌های کردها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، محلی، منطقه‌ای و جهانی باعث برانگیخته شدن خواست‌های قومیتی خواهد شد.

برگزاری همایش‌ها و سمینارهایی برای بزرگداشت و تجلیل از چهره‌های مشهور کرد ایرانی در کردستان عراق از جمله برپایی جشنواره نکوداشتی با عنوان «پیشوا قاضی محمد» را می‌توان نوعی اقدام در جهت برانگیختن هویت کردی در ایران ارزیابی کرد که طی آن از جمهوری کردستان و قاضی با عنوان دو ستاره درخشان ملت یاد شد (پیشگاهی فرد و نصراللهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۹)؛ علاوه بر آن، راه‌اندازی جشنواره‌های دائمی ادبی، هنری و فرهنگی در کردستان عراق و فراهم کردن زمینه حضور هنرمندان کرد ایرانی و ... در برنامه‌های سالانه آنها نظیر جشنواره سالانه گلاویژ و ... م همچنین دعوت و حمایت از گروه‌های موسیقی کرد ایرانی و پوشش تبلیغی گسترده آنها از طریق برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای (همان) از جمله اقدام‌های کردها در راستای تهییج قومیتی است که بستر ساز تهدید نرم ضد جمهوری اسلامی می‌شود.

توجه به تحول‌های مناطق کردنشین ایران نشان می‌دهد، تمام کردهای کشور به یک اندازه از تحول‌های اقلیم کردستان تأثیرنپذیرفته‌اند؛ به‌طور نمونه، اکراد ساکن در استان‌هایی نظیر ایلام، کرمانشاه و مناطق کردنشین شمال خراسان به اندازه شهرهای استان کردستان، نظیر مهاباد و سنندج تحت تأثیر تحول‌های شمال عراق نبوده‌اند و به‌نظر می‌رسد این تفاوت تأثیرپذیری به دلایلی مانند شرایطی زیستی و محیطی نسبت به هم‌جواری و عدم هم‌جواری با مناطق کردنشین عراق و علاوه بر آن، تفاوت‌های مذهبی این مناطق است.

۲- تهدیدهای سیاسی

تهدیدهای نرم سیاسی اقلیم کردستان را در چند دسته می‌توان مطرح کرد: نخست، تقویت هویت کردی است؛ در طول دهه‌های گذشته و از ابتدای قرن بیستم در همه نواحی کردنشین منطقه، جریان‌های هویت‌گرای کردی فعال بوده، کمابیش بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند (همان، ۱۹۶)؛ اما در چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به‌عنوان یک حکومت با بنیان‌های ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می‌کند، زمینه اعتلای بیش از پیش این مقوله مهم را فراهم کرده‌است؛ به‌طوری‌که توانسته تمایل‌های قوم‌گرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود تحت تأثیر قرار دهد؛ این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده‌است که لازمه قوام آن، گسترش هرچه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که این تفکر، موجب مباحثات هر کردی است و به‌نظر می‌رسد یکی از عوامل تقویت این مسئله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م است که به نماد ملی کردها مبدل شده‌است که این پرچم و نمادهای مشابه در مراسم‌های گوناگون به‌نمایش گذاشته می‌شود (حافظ نیا، همان: ۲۱).

در گذشته درخواست خودمختاری در مناطق مورد مناقشه کشورهای دربرگیرنده قومیت کرد هم از سوی نخبگان قومی و هم از سوی توده اکراد مطرح بوده‌است؛ اما با توجه به واکنش دولت‌های مرکزی آن مناطق، نسبت به درخواست آنان این خواسته ایشان با ناکامی مواجه شد؛ اما پس از تصویب فدرالیسم در عراق، در مناطق کردنشین منطقه از جمله نواحی کردنشین ایران تشکیل حکومتی برپایه فدرالیسم همانند آنچه در عراق اتفاق افتاد از سوی معارضان مطرح شد؛ از این رو به‌نظر می‌رسد دومین مسئله در تهدیدهای نرم سیاسی مبتنی بر رواج و گسترش اندیشه حکومت‌داری برپایه فدرالیسم باشد که موفقیت‌های کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل در مسئله کردها، جهانی شدن مسائل کردستان عراق از طریق رسانه‌های عمومی پس از استقرار حکومت خودگردان، حمایت آمریکا، اروپا و سیستم بین‌المللی از آنان موجب شده‌است که فدرالیسم به‌عنوان یک الگوی حکومتی از سوی برخی اکراد معارض، مطرح شود که همین مسئله، موجب ترویج این تفکر در کشورهایی مانند ترکیه، سوریه و ایران شده‌است (قهرمانپور، ۱۳۸۴: ۳۳) و در ایران هم، برخی گروه‌ها و احزاب با تأکید بر امکان ایجاد چنین نظام حکومت‌داری تأکید می‌ورزند و علاوه بر آن،

موضوع عدم مشارکت فعال کردهای ایران در انتخاب‌های مختلف کشور را می‌توان در زیر مسئله رواج تفکر فدرالیسم (که در سایه انتخاب رئیس جمهور کرد در کشور عراق، تشکیل حکومت خودگردان در کردستان عراق، رشد سیاسی اقوام کرد و رشد منزلت اجتماعی قوم کرد در این کشور صورت گرفته است)، تحلیل کرد (غفاری و کاویانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰ تا ۱۰۴).

ارتقای سطح خواست‌های قومیتی در سطوح مختلف جامعه کردها در ایران را باید از دیگر تهدیدهای نرم حکومت اقلیم کردستان به‌شمار آورد و به‌رغم عدم وجود تبعیض قومیتی در کشور، خواست‌هایی نظیر آزادی ترویج زبان و فرهنگ کردی، رفع تبعیض اقتصادی-اجتماعی و عمران منطقه‌ای، داشتن اختیارات و حق مشارکت فعال سیاسی و نظایر آنها را باید از جمله درخواست‌های اکراد دانست (حافظ نیا، همان: ۲۳) که به‌طور عمومی، تحت تأثیر تحولات اقلیم کردستان، روند فزونی داشته است. برای بیان افزایش مطالبات کردها از تحولات اخیر و تأثیر آن بر کردهای ایران نمی‌توان قشری خاص را مطرح کرد که به‌تنهایی از آن متأثر بوده باشد، چراکه واقعیت این است که تحولات شمال عراق، اقشار مختلف کردهای کشورمان را تحت تأثیر قرار داده است.

برخی از نخبگان اصلاح طلب در دولت رئیس‌جمهور، سید محمد خاتمی، اولین شرط مشارکت کردها در انتخابات سال ۱۳۸۴ را به رسمیت شناختن حقوق قومی کردهای کشور دانستند و مشارکت کردهای ساکن در ایران را گام اول در راستای مشارکت سیاسی آنان دانستند که این گفته آنان، بازتاب‌هایی گسترده را در داخل کشور در پی داشت. (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۸)

و در ادامه، روند تأثیرهای سیاسی اقلیم کردستان، نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی از استان‌های مختلف فراکسیون کرد را تشکیل دادند که به گفته حمیدی، نماینده کرد مجلس، هدف آن جذب نیروهای قومیتی در بدنه دولت است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴۲)؛ این اتفاق‌ها گویای آن‌اند که تهدید نرم کردستان عراق ضد جمهوری اسلامی ایران و نیز تأثیرپذیری از آن، به فرد یا گروهی خاص از کردهای ایران منحصر نمی‌شود؛ علاوه بر مردم عادی، نخبگان کشور هم از مسئله تأثیرپذیرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

رسمیت یافتن حکومت ناحیه‌ای کردستان و در نتیجه، استقرار نظام دموکراتیک در شمال عراق و حضور تأثیرگذار نخبه‌های کردی در دولت مرکزی عراق، موجب احیای ناسیونالیسم کردی در بیشتر

مناطق کردنشین منطقه و بروز برخی تهدیدهای نرم برای دولت‌های آن مناطق شده‌است. وجود تهدیدهای نرم برپایه قومیت و ناسیونالیسم قومی از جمله تهدیدهایی است که به‌تازگی در برخی مناطق ایران مشاهده می‌شود اما تهدید هویتی و قومیتی کردها با توجه به جریان خودمختاری کردستان عراق جدید، تأثیری بیشتر برای به‌چالش کشیدن امنیت ملی ایران داشته‌است.

به دلیل اهتمام اقلیم کردستان در دامن‌زدن به عواطف و احساسات کردی، این تهدیدهای نرم در غالب تهدیدهای فرهنگی و روانی به لحاظ تحریک عقاید و احساسات قومیتی از طریق برنامه‌های گسترده فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌ای و قومیتی راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌ها، انتشار مجلات و نشریات، سخنرانی‌های مسئولان کردستان، افکار عمومی کردهای منطقه از جمله کردهای ساکن ایران را به خود جلب کرده؛ به نحوی می‌توان گفت که این منطقه را به مرکزی برای طرح مسائل هویتی - قومیتی تبدیل کرده‌است و به لحاظ سیاسی عامل تقویت خواست‌هایی نظیر تقویت هویت کردی، ترویج اندیشه فدرالیسم برای کسب اختیارهایی مشابه آنچه کردهای عراق از آن بهره‌مندند و همچنین ارتقای خواست‌های قومیتی کردها در داخل کشور است. اما آنچه این مسائل را تقویت می‌کند، وجود پیوند عاطفی، ذهنی و فرهنگی در میان کردهای شمال عراق و نواحی کردنشین ایران ازسویی و توان قانونی کردهای عراق ازسوی دیگر است.

بی‌تردید، تهدیدهای نرم اقلیم کردستان به تدریج بر خواست آنان برای تحقق کردستان بزرگ خواهدافزود و از آنجاکه تهدید نرم به‌طور نامحسوس بر قلوب افراد حاکم می‌شود، نمی‌توان میزان گرایش افراد را به تشکیل حکومت مستقل تشخیص داد؛ اما از آنجاکه رسانه‌های کردی با تبحری خاص، اهداف مشترک کردی را مدنظر قرار می‌دهند، می‌توان [بروز] داعیه‌های قومی در نواحی کردنشین ایران را در آینده پیش‌بینی کرد.

کسب چنین اختیارهایی برای کردهای عراق، انتظارات کردهای ایران را به‌منظور کسب امکانات مشابه بالا برده و به‌طور مسلم، عنوان چنین درخواست‌هایی از سوی کردهای ایران دست‌کم با پشتیبانی کردهای اقلیم کردستان روبرو خواهدشد؛ در این میان، آنچه در داخل، ضروری به‌نظر می‌رسد، مدیریت صحیح و به دور از برخورد سخت‌افزارانه و عجولانه است که هریک از مسائل (به‌رغم وفاداری کردهای کشور به فلات ایران) می‌توانند ابعاد این موضوع را به پیچیدگی دچار کرده، پیامدهای نظیر بروز هرج و مرج اجتماعی، کاهش مشارکت مردمی، افزایش انگیزه‌های واگرایانه و ایجاد حفره‌های دولت را در پی داشته‌باشد؛ از این‌رو برای به‌حداقل رساندن پیامدهای

تحول‌های کردستان عراق توجه به نکاتی پیشنهاد می‌شود:

- تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با یأس و نومیدی القاشده از سوی رسانه‌های برون‌مرزی؛
- تلاش برای حفظ اتحاد میان اقوام ایرانی با تأکید بر آداب، رسوم و فرهنگ‌های مشترک میان اقوام ساکن در فلات ایران؛
- افشا و بازگویی اهداف و چهره افراد القاکننده حس ناامیدی و معارضان جدایی طلب؛
- بازساخت آسیب‌های رفتار داخلی برای مقابله با سوءاستفاده جنبش‌های معارض؛
- برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای امنیت هوشمند در راستای کنترل، جلوگیری، خنثی‌سازی تبلیغات و تحرک‌های رسانه‌ای؛
- همفکری با سران اقوام کردزبان برای بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مقابله با تهدیدهای نرم اقلیم کردستان؛
- استفاده از ظرفیت‌های فکری و اجرایی افراد و گروه‌های متعدد مختلف اقوام کشور؛
- تقویت و توسعه روابط با مردم و مقام‌های منطقه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی؛
- گسترش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با تأکید بر مشترکات فرهنگی، اجتماعی و ...؛
- استفاده بهینه از تنوع قومی- فرهنگی به‌عنوان یک فرصت؛
- امکان‌سنجی انتخاب مدیران محلی از میان مناطق و استان‌ها؛
- ایجاد کانال‌های مختلف ارتباطی با مقام‌های اقلیم کردستان و طرح موضوع‌های مورد اختلاف.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن*، تهران: نشر تمدن ایرانی، چ ۱.
- آکری، نجدت (۱۳۹۰). «ما در مرحله گذار هستیم». *فصلنامه فرهنگی- اجتماعی گفتگو (ویژه اقلیم کردستان عراق)*، شماره ۵۸، مرداد.
- احمدی‌پور، زهرا، طهمورث موصلو و طیبه موصلو (۱۳۸۹). «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار». *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان.

- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷). «منابع قومی ناسیونالیسم». ترجمه واحد ترجمه مطالعات راهبردی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «تهدید اجتماعی‌شده: رویکردی تازه در تهدید سیاسی». *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۲۷، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵). *سیاست خارجی در عراق جدید*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بروین سن و مارتین وان (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت): ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانیز، چ ۱.
- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات نرم*، سال دوم، شماره ۵، بهار.
- بلیک، ژانت و محمود رضا گلشن پژوه (۱۳۸۹). «قدرت نرم، تهدید نرم، پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی». *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان.
- بهرامی، قدرت الله (۱۳۸۶). «قومیت‌گرایی در کردستان». *مجله حصون*، شماره ۱۴، زمستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۳، مشهد.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دی اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نشر تمدن ایرانی، چ ۱.
- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان: مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر». *فصلنامه پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، شماره ۲، بهار و تابستان.
- کرمی، رضا (۱۳۸۶). «مبانی تئوریک و مصداقی تهدید نرم و قدرت نرم». *مدیریت نظامی*، شماره ۲۸، زمستان.

- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۷). «تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات کردستان عراق». *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن فرهنگ*، تهران: نشر نی، چ ۱.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸). «تیین منازعات قومی براساس تئوری‌های مداخله‌نگاهی به تهدیدهای نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی*، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز.
- محمدی، حمیدرضا؛ خالدی، حسین؛ سلیم‌زاده، ندیمه (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره اول، بهار.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: نشر مؤسسه مطالعات ملی، چ ۱.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸). «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نساج، حمید (۱۳۸۸). «جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم». *فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری*، دوره جدید، شماره ۵، بهار.
- نش، کیت (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.
- نصری، قدیر (۱۳۸۸). «مؤلفه تهدید نرم؛ مرور چند تجربه». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره ۳.

۲- منابع انگلیسی

- Buzan, Barry; Ole, Waver and Dewild (1996), *Security A New Framework for Analysis*.

- Duin, Julia (2005) *Losing The Kurds*, Ripon, Forum.
- Entessar, Nader (1992), *Kurdish Ethno Nationalism*, The United States of America, Lynne Rienner Publisher.
- Hackbarth, MajR. Hack (2009), *Soft Power and Smart Power in Africa*, Center for Contemporary Conflicts.
- Keohance, Robert and Joseph Nye (1998), Power and Interdependence in the Information Age, *Foreign Affairs*, Vol., 77, No.5.
- Koohi-Kamali, Farideh (2003), *The Political Development of the Kurds in Iran Nationalism*, Macmillan, New York.
- Natali, Denise (2005), *The Kurds and The State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran*, New York, Syracuse University Press.
- Oballance, Edgar (1996), *The Kurdish Struggle*, ST. Martins Press. INC, USA.
- Yaldiz, Kerim (2007), *The Kurds in Iraq*, Pluto Press, London

Soft Threats of the Autonomy of Iraqi Kurdistan and Their Impacts on Iranian Kurds

Hassan Bojmehrani ^{1*}
Mahdi Pour Islami ²

Received on: 10/28/2013
Accepted on: 01/20/2014

Abstract

The approval of the Constitution of Iraq in 2005 and formation of a federal government and consequently the establishment of the autonomous region of Kurdistan have led a considerable impact on the adjacent countries. Due to the neighborhood of the Kurdistan with the Kurdish area of our country as well as their cultural and ethnic ties some preparations have been made for soft threat against the Islamic Republic of Iran. The signification of Kurdish culture and identity in line with pan Kurdism, and promotion of the level of political, cultural and economic demands despite the existing economic limitations in our country are among soft threats posed against the security of Iran. The main objectives of the present paper, based on descriptive-analytical method, are to study the commonalities between the Kurds of the two countries, find out the soft power of Kurds, and review the history of the struggles and longstanding claims of some Kurdish parties for realization of Great Kurdistan. The main focus of the present paper is to study the developments in Iraqi Kurdistan within the framework of soft threat against the Islamic Republic of Iran which is a new endeavor. Hence, the main question of the present paper is: what soft threats the recent developments in Iraqi Kurdistan pose against the security of Iran? The hypothesis of the present paper is: due to cultural, identity, and ethnic as well as the soft power of Kurdistan, the autonomy of the Iraqi Kurdistan, on the side of their activities to promote the Kurdish identity, poses soft threat to Iran.

Keywords: soft threat, Kurdish community, identity, ethnic demands, ethnic nationalism.

1* . Assistant Professor. Islamic Azad University, Azadshar Branch.

(Corresponding Author: mehrani100@gmail.com)

2 . M.A. International Relations, Kharazmi University.